

شهید فلکناز صالحی




از بستان علی
سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

نام پدر	حیدر
تاریخ تولد	۱۳۴۹/۰۱/۰۳
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۳/۱۲/۲۱
محل شهادت	جنوب
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	—
تحصیلات	بی سواد
مدفن	نظر آقا

زندگینامه

زندگینامه شهید

زندگینامه شهید فلک ناز صالحی

شهید فلک ناز صالحی در سال ۱۳۴۹ در خانواده ای مذهبی و متدین در روستای نظر آقا از توابع شهرستان دشتستان دیده به جهان گشود شجاعت و فداکاری از خصوصیات این شهید بوده این شهید علاقه زیادی به درس و مدرسه داشت اما متأسفانه امکانات کافی برای او مهیا نبود. اوقات فراغت خود را در مسجد و با مطالعه پر می کرد. بوسیله معلمین و روحانیون با امام آشنا شد و علاقه زیادی به ایشان پیدا کرد. به روحانیون علاقه داشت و پای صحبت آنها می نشست و با گروه سیاسی موافق انقلاب همکاری داشت و در عوض به مخالف با گروه های سیاسی مخالف انقلاب می پرداخت در نمازهای جمعه و جماعت شرکت می کرد. ارادت خاصی نسبت به اهل بیت داشت. همیشه قرآن می خواند و راز و نیاز می کرد به حق الناس بها می داد و حقوق دیگران را رعایت می کرد و مردم هم او را خیلی دوست داشتند. گرچه سن کمی داشت ولی آرزوی بزرگ شهادت را داشت همیشه می گفت ای کاش من جای شهدا بودم آرزو داشت به جبهه برود و کسی مانع او نشود و سرانجام به جبهه رفت و مسئول جمع آوری کمکهای مردمی شد همیشه این تذکر را به خانواده می داد که نگذارید اسلحه اش بر روی زمین بیفتد. چندین بار مجروح شد و در بیمارستان سعدی شیراز و در اصفهان مداوا شد در اولین مرحله که به جبهه رفت با حال مجروح به خانه برگشت تا این که به شهادت رسید و به وسیله برادرش مطلع شدیم که شهید شده است و بالاخره با تشییع جنازه بی نظیری تا روستایش بدرقه شد و به خاک سپرده شد.

خاطرات

ویژگیهای شهید فلکناز صالحی

از دوران بارداری او چیزی به یاد ندارم فقط از خداوند بزرگ و مهربان فرزند سالمی را آرزو داشتم که در آینده بتواند خدمتگزاری صدیق برای اسلام و مردم مسلمان باشد خداوند کریم هم لطف خود را شامل حال ما نمود و فلکناز را به ما عطا کرد در مراسم نامگذاری او هم پدرش چون علاقه زیادی به او داشت و نوزاد خوش سیمایی بود اسم او را فلکناز گذاشت به یاد ندارم که ایام ولادت او مصادف با ایام خاصی باشد در دوران کودکی او از مراقبتهای شدیدی می گردیدیم هم پدرش و هم من از او بیش از اندازه مواظبت می کردیم تا این که بچه رشد نمود در دوران کودکی آداب معاشرت و رفت و آمد را به او یاد دادیم کم کم به مکتب خانه رفت و قرآن را فرا گرفت و نماز را به او یاد دادیم . با توجه به وضعیت اقتصادی ما نتوانستیم شرایط لازم را برای آموزش او فراهم نماییم فقط خودش علاقه به مدرسه رفتن داشت و در سن شش سالگی در دبستان رودکی نام نویسی کرد به موقع در مدرسه حضور می یافت و تکالیفش را انجام می داد در بین همکلاسیها و دوستانش نمونه بود از اخلاق و رفتار منحصر به فردی برخوردار بود به تعالیم روح بخش قرآن کریم علاقه داشت و از کودکی در او عجبین شده بود در خانواده اخلاق و رفتارش بسیار خوب بود به یاد ندارم که ما از او ناراحت شده باشیم با برادر و خواهرانش بسیار خوب بود در کارها به همه کمک می کرد پر جنب و جوش بود . قبل از اینکه به مدرسه برود برای خود کیف و دفتر آماده کرده بود و روز شماری می کرد تا مدرسه شروع شود بعد از اینکه به مدرسه رفت ما که سواد نداشتیم به او کمک کنیم ولی خودش به موقع تکالیفش را انجام می داد به نحوی که معلمان و اولیا^۱ مدرسه از او راضی بودند همکلاسیهایش از او راضی بودند گاهی نشد که از شکایتی کرده باشند او در طول دوران تحصیل ترک تحصیل نکرده بود مگر زمانی که کلاس دوم و آن هم به خاطر حضور در جبهه های حق علیه که دیگر نتوانست ادامه دهد الان مدارک تحصیلی او در مدرسه های نظر آقا وجود دارد او علاوه به انجام تکالیف مدرسه در کارهای کشاورزی به پدرش

کمک می کرد در کارهای خانه مرتب به ما یاری می رساند به نحوی که همه ما اهل منزل از او راضی بودیم او احترام همه ما را داشت او اوقات فراغتی نداشت چون یا در مدرسه بود یا در کنار پدرش به کارهای کشاورزی و کارگری می پرداخت و اگر فراغتی می یافت به مسجد می رفت و گاهگاهی هم در زمان ورزش به ورزش می پرداخت نمازش را به موقع در مسجد به جای می آورد او فرد آرام ، متین در عین حال بسیار جدی و کوشا بود در کارهای مشاوره امین و پر حوصله بود مردم را دوست داشت و آنان را ولی نعمت خود و انقلاب می دانست . او از طریق مجالس وعظ و سخنرانی با افکار امام خمینی آشنا شد و از وقتی که امام را شناخت عاشقش شد او را رهبر همه جهان اسلام می دانست و دوست داشت انقلاب و اسلام به رهبری حضرت امام سراسر گیتی را فرا گیرد و زمینه ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی موعود (عج) گردد . او انقلاب و امام را فرشته نجات از ظلم و جهل جاهلیت می دانست روحانیتی را که در خط امام و انقلاب بودند دوست می داشت و از آنان حمایت می کرد او مخالف گروههای الحادی بود و از هر طریق ممکن با آنان به مبارزه بر می خواست . او نهادهای مانند بسیج و سپاه و _____ را فرزند انقلاب می دانست و برای آنان احترام قائل بود . صداقت ، شجاعت و امنیت داری ، وفای به عهد و کمک به دیگران از ویژگیهای این شهید عزیز بود . نسبت به انجام واجبات بسیار حساس بود و همیشه در نمازهای جمعه شهرستان شرکت می کرد . در خصوص ارادت و شناخت و محبت او به اهل بیت بسیار زیاد بود در تمام مراسمات مذهبی علی الخصوص شب های تاسوعا و عاشورا و شبهای قدر راز و نیاز او با خداوند کم نمی شد تمام صبحها بعد از نماز صبح با آواز بلند قرآن می خواند با توجه به تعالین روح بخش قرآن تحول عظیم در نهاد و وجود او پیش آمده بود دفاع را حق ملت ایران می دانست و جوانان و هم سن و سالان خود را تشویق به حضور در جبهه می کرد او به دلیا سن پائین به خدمت سربازی نرفت ولی چندین بار به جبهه اعزام شد برای اولین بار در سن ۱۴ سالگی به جبهه رفت و دفاع را حق ملت ایران می دانست او در بسیج محل به جمع آوری وسایل و امکانات و ارسال آن به مناطق جنگی بسیار فعال بود او در جبهه از صداقت و رفاقت رزمندگان صحبت می کرد بالاخره در

جبهه مجروح شد و مدتها در بیمارستان سعدی شیراز بستری بود و دلش با رزمندگان در جبهه بود و بارها آرزوی شهادت می کرد هر وقت شهیدان را تشییع می کردند چهره اش بر افروخته می شد و غبطه می خورد که چرا دیگران گوی سبقت را از او ربوده اند تا اینکه بالاخره به آرزویش که همان شهادت بود رسید ما هم از اینکه فرزندانمان در راه جبهه و اسلام فدا کرده ایم افتخار می کنیم هر وقت دلمان برایش تنگ می شود به یاد مصائب حضرت زینب در روز عاشورا می افتیم دیگر سختی های دوری از او را فراموش می کنیم و مسئولین هم باید بیشتر به فکر رزمندگان باشند آنانی که یادگاران هشت سال دفاع هستند در این زمینه خون دل می خورند .



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران